علمی - پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و سوم، شمارهٔ ۹۰ «ویژهٔ پژوهش‌های قرآنی»، بهار ۱۴۰۵، ص ۱۷۶-۱۸۹

بررسی سیر تاریخی جنبه‌های معنایی غض بصر

سوده واحدیان مظلوم[۱] / فهیمه شریعتی [۲]

چکیده: این پژوهش به بررسی سیر تحول نگرش مفسران قرآن درباره مفهوم «غض بصر» در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور که مسئله تحقیق هست، می‌پردازد و چگونگی دگرگونی آن را از منظر معنای لغوی (از کاهش نگاه به کنترل ارادی)، کارکرد فقهی (از نهی مطلق نگاه حرام به انعطاف در ضرورت‌ها) و فلسفه اجتماعی (از حکم فردی به ابزار سلامت جامعه) تحلیل می‌کند. با روش تحلیل تطبیقی تاریخی و نمونه‌برداری از مفسران شیعه و سنی بر اساس تأثیرگذاری و تنوع رویکردها، یافته‌ها نشان‌دهنده گذار از تمرکز فقهی-لغوی اولیه به پیشگیری روانی و تعادل اجتماعی است. این تحول تحت تأثیر عوامل فرهنگی-تاریخی بوده و با نظریه خودکنترلی در روان‌شناسی همخوانی دارد. نوآوری پژوهش در ارائه چارچوب میان‌رشته‌ای برای کاربرد در روان‌شناسی دینی و جامعه‌شناسی حجاب در پژوهش‌های بعدی است.

کلیدواژه: غض بصر، تحول نگرش مفسران، تفسیر قرآن، نگاه، عفاف.

---

* دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۲۴؛ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۰۱.

۱. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور تهران (نویسنده مسئول)، s.vahedian75@gmail.com
۲. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، shariati-f@um.ac.ir

مقدمه

واژه «غض بصر» در آیات قرآنی، به‌ویژه آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور، یکی از مفاهیم کلیدی در حوزه اخلاق و احکام اسلامی به شمار می‌رود که به معنای فروکاستن نگاه یا کنترل آن در برابر محرک‌های بصری ممنوع، تفسیر شده است. مفهوم «غض بصر» به دلیل پیوند عمیق با مسائل تربیتی، فقهی و اخلاقی، از صدر اسلام تاکنون مورد توجه مفسران قرار گرفته و تفاسیر متنوعی را به خود اختصاص داده است. این تنوع، از تمرکز بر معنای لغوی (کاهش نگاه) تا گسترش به کارکردهای فقهی (نهی از نگاه حرام) و فلسفه اجتماعی (حفظ تعادل در روابط جنسیتی)، نشان‌دهنده پویایی تفسیری این مفهوم است. با این حال، بررسی نظام‌مند سیر تحول این نگرش‌ها و تطبیق آن‌ها با یافته‌های مدرن روان‌شناختی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این تحلیل میان‌رشته‌ای، نه تنها درک عمیق‌تری از مفهوم غض بصر ارائه می‌دهد، بلکه کاربرد آن را در مواجهه با چالش‌های مدرن مانند تأثیر رسانه‌های تصویری و روابط جنسیتی در جوامع سکولار روشن می‌سازد (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۱۹۵-۲۱۰).

پژوهش‌های اخیر با رویکرد تطبیقی، ضمن تحلیل سیاق آیات و بهره‌گیری از قرائن عقلی و نقلی، کوشیده‌اند تا ابعاد مختلف این مفهوم را روشن سازند و اختلاف‌نظرهای موجود را تبیین کنند (شبیری زنجانی، ۱۴۰۲: ۷). با این حال، سیر تحول دیدگاه‌های مفسران درباره «غض بصر» و عوامل مؤثر بر این تکامل، کمتر مورد بررسی نظام‌مند قرار گرفته است. هدف پژوهش، تحلیل سیر تحول نگرش مفسران از منظر معنایی، فقهی و اجتماعی و تطبیق با نظریه خودکنترلی است. پرسش اصلی این پژوهش این است که سیر تحول دیدگاه‌ها چگونه بوده و چگونه با روان‌شناسی همخوانی دارد؟ فرضیه پژوهش این است که تحول از تمرکز فقهی اولیه به رویکردهای روان‌شناختی معاصر تحت تأثیر تغییرات فرهنگی و علمی رخ داده است. این مطالعه با رویکرد میان‌رشته‌ای، کاربرد «غض بصر» در چالش‌های مدرن مانند رسانه‌های تصویری را روشن می‌سازد.

پیشینه پژوهش

سیر تحول تفاسیر «غض بصر» تحت تأثیر عوامل اجتماعی-فرهنگی-سیاسی، با

برداشت‌های متنوع اخلاقی-اجتماعی بوده و پژوهش‌های سده اخیر آن را از منظرهای گوناگون بررسی کرده‌اند:

مهتری (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود با عنوان «چشم و نگاه از منظر آیات و روایات» به بررسی ابعاد مختلف مفهوم چشم و نگاه در متون دینی پرداخته و با تحلیل آیات قرآن کریم و روایات معصومین، حدود و جایگاه این مفهوم را تبیین کرده است. او در این تحقیق، با رویکردی قرآنی-روایی، به واکاوی تأثیرات چشم و نگاه در حوزه‌های مختلف فردی و اجتماعی پرداخته است. فاکر میبدی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «تفسیر تطبیقی غض بصر» با رویکرد تطبیقی به بررسی آرای مفسران شیعه و سنی درباره مفهوم «غض بصر» در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور پرداخته و با تحلیل سیاق آیات و روایات مرتبط، تفاوت‌های تفسیری را تبیین کرده است. شبیری زنجانی (۱۴۰۲) در پژوهش خود با عنوان «بازپژوهی مراد از غض بصر در آیه غض» با رویکرد فقهی-تفسیری به بازخوانی دلالت‌های «غض بصر» پرداخته است. طاهری‌پور (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «ضوابط حاکم بر ارتباطات بصری با توجه به آیه ۳۰ سوره نور» به بررسی نقش ارتباطات غیرکلامی، به‌ویژه نگاه چشم‌ها در انتقال مفاهیم و ضرورت فهم دیدگاه دین در مورد نگاه بین مرد و زن نامحرم می‌پردازد؛ خلأ اصلی این مطالعات، نبود تحلیل نظام‌مند از چگونگی تحول نگرش مفسران در دوره‌های مختلف و عدم تطبیق این تحولات با یافته‌های علوم مدرن، به‌ویژه روان‌شناسی تجربی است. برای نمونه، مطالعات غربی مانند پژوهش‌های Emery در زمینه کنترل نگاه و تأثیر آن بر کاهش اضطراب اجتماعی، یا Baumeister درباره نظریه خودکنترلی و نقش آن در پیشگیری از رفتارهای پرخطر، ارتباط نزدیکی با مفهوم غض بصر دارند، اما در ادبیات اسلامی کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. همچنین، در حوزه فقه تطبیقی معاصر، دیدگاه‌هایی مانند نظرات مکارم شیرازی درباره انعطاف‌پذیری غض بصر در تعاملات اجتماعی (مانند نگاه بدون لذت در موارد ضروری) می‌توانستند به‌عنوان پایه‌ای برای مقایسه با تفاسیر متقدم مورد استفاده قرار گیرند، اما این جنبه نیز در پژوهش‌های پیشین مغفول مانده است.

روش پژوهش

این پژوهش با روش تحلیل تطبیقی گزارش‌های تاریخی، سیر تحول دیدگاه‌های مفسران درباره «غض بصر» را بررسی می‌کند. گام‌ها شامل: ۱) انتخاب نمونه‌ها بر اساس تأثیرگذاری تاریخی، تنوع مذهبی (شیعه و سنی) و رویکردهای تفسیری (نقلی، کلامی، فقهی، اجتماعی)؛ ۲) گردآوری داده‌ها از متون تفسیری اصلی، کتب لغوی، رساله‌ها و مقالات؛ ۳) مقایسه بر اساس معنای لغوی (کاهش نگاه یا کنترل ارادی)، کارکرد فقهی (نهی از نگاه حرام یا انعطاف ضروری) و فلسفه اجتماعی (حفظ عفت یا سلامت جامعه)؛ ۴) سنجش تحولات با تأثیر عوامل تاریخی-فرهنگی (مانند رسانه‌های تصویری). تقسیم‌بندی تاریخی به چهار دوره (متقدم، میانه، متأخر، معاصر) انتخاب شد، زیرا بازتاب تحولات سیاسی، اجتماعی و فکری جهان اسلام است (پاکتچی، ۱۳۹۶: ۶۸۲/۱۵)؛ برای مثال، دوره متقدم بر روایات و احکام فقهی تمرکز داشت، اما دوره معاصر به جنبه‌های روان‌شناختی و اجتماعی سوق یافته است. استخراج مفاهیم کلیدی از طریق کدگذاری مضمونی با چارچوب ایزوتسو (روابط جانشینی مانند «خفض بصر»، «حفظ فروج» و هم‌نشینی مانند «غض من أبصارهم») انجام شد و مضامین (کنترل فقهی، پیشگیری روانی، تعادل اجتماعی) در دوره‌ها طبقه‌بندی گردیدند.

واژه‌شناسی غض بصر

از منظر واژه‌شناسی، واژه «غض» از ریشه «غ ض ض» مشتق شده که در لغت عربی به معانی مختلفی همچون کاهش دادن، فروکاستن و کوتاه کردن دلالت دارد. ابن‌فارس در معجم مقاییس اللغة، این ریشه را به معنای «نقصان و کمبود» توصیف کرده و تأکید می‌کند که غض در کاربردهای زبانی، به کاهش شدت چیزی اشاره دارد، خواه صدا باشد یا نگاه (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۳۴۵/۴). جوهری در صحاح اللغة نیز غض را به «خفض و تنزیل» معنا کرده و مثال‌هایی از کاربرد آن در صدای پایین و نگاه فروافکنده آورده است (جوهری، ۱۳۷۶: ۷۸۹/۲). ابن‌منظور در لسان‌العرب، این واژه را گسترش داده و می‌گوید غض بصر به معنای «فروبردن نگاه و عدم توجه کامل» است، نه صرفاً بستن چشم‌ها، بلکه کنترل ارادی بر حواس بصری (ابن‌منظور، ۱۳۳۵: ۴۵۶/۱۱).

جانشینی و هم‌نشینی واژه غض بصر

از دیدگاه روابط زبانی، جانشینی غض بصر با واژگانی همچون «خفض بصر» (فروافکندن نگاه)، «کظم بصر» (فروخوردن نگاه) و «حفظ فروج» (حفظ عفت) همخوانی دارد، که همگی در زمینه اخلاق جنسی و کنترل حواس ظاهر می‌شوند. برای نمونه، ابن‌منظور در لسان‌العرب، خفض را به‌عنوان جانشین غض معرفی کرده و می‌گوید هر دو به معنای کاهش شدت نگاه هستند، اما خفض بیشتر بر فروافکندن فیزیکی تأکید دارد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۲۳۰/۱۲). جوهری نیز غض را با «تنزیل النظر» (پایین آوردن نگاه) جایگزین می‌داند و آن را در مقابل «رفع البصر» (بالا بردن نگاه) قرار می‌دهد (جوهری، ۱۳۷۶ق: ۷۹۰/۲). راغب اصفهانی «غض بصر» را با «غض الطرف» (کنترل نگاه جانبی) هم‌جانشین می‌بیند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۰۸). فیومی با «إطراق البصر» (فروافکندن نگاه) (فیومی، ۱۴۲۵: ۴۲۴)، طریحی با «ضبط البصر» (مهار نگاه) (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۹۹/۵)، فراهیدی با «قصر النظر» (کوتاه کردن نگاه) (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۱۷/۳) و ابن‌فارس با «نقص البصر» در مقابل «إطالة النظر» (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۳۴۶/۴). این جانشینی‌ها شبکه معنایی کنترل نگاه را برای حفظ عفت تشکیل می‌دهند.

از سوی دیگر، هم‌نشینی غض بصر در متون قرآنی و حدیثی، اغلب با ساختارهایی همچون «غض من أبصارهم» (فروبردن از نگاه‌هایشان) یا ترکیب با «حفظ فروجهم» (حفظ عفت‌شان) ظاهر می‌شود که نشان‌دهنده پیوند نحوی و معنایی با مفاهیم عفت و پرهیزگاری است. در قرآن، غض بصر در کنار «یغضضن من أبصارهن» (زنان نگاه‌هایشان را فروبرند) هم‌نشین است و این ترکیب، تأکید بر جنبه جنسیتی متقابل را برجسته می‌کند (نور/۳۱).[۱]

سیر کلی تحول نگرش مفسران

یکی از دسته‌بندی‌های پذیرفته‌شده در این زمینه، تقسیم‌بندی تاریخ تفسیر به چهار دوره اصلی است: دوره متقدم (قرن اول تا چهارم هجری)، دوره میانه (قرن پنجم تا دهم

---

۱. وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ...

هجری)، دوره متأخر (قرن یازدهم تا سیزدهم هجری) و دوره معاصر (قرن چهاردهم هجری تاکنون) است (پاکتچی، ۱۳۹۶: ۶۸۱/۱۵).

دوره متقدم

تفسیرها در این دوره عمدتاً بر پایه نقل روایات و تحلیل لغوی استوار بود و غض بصر به‌عنوان ابزاری برای جلوگیری از گناهان جنسی معرفی می‌شد. طبری (م. ۳۱۰ هـ)، در تفسیر جامع‌البیان، غض بصر را به معنای فروبردن نگاه و عدم توجه به امور حرام تفسیر می‌کند. او با استناد به اقوال صحابه مانند ابن‌عباس، تأکید دارد که این دستور برای جلوگیری از نگریستن به آنچه خداوند مکروه شمرده (مانند عورت نامحرم) است و آن را پیش‌زمینه حفظ فروج می‌داند. طبری شأن نزول آیه را نیز به حوادثی مانند چشم‌چرانی مردی از انصار مرتبط می‌کند که منجر به جراحت او شد و این تفسیر را با رویکرد حدیثی تقویت می‌نماید که پایه‌ای برای تفسیرهای بعدی فراهم آورد (طبری، ۱۴۲۲، ۹۲/۱۸). رویکرد نقلی و تاریخی طبری در تفسیر غض بصر، ابتدا بر پایه پایبندی به مکتب اهل سنت بدون ورود به اختلافات کلامی استوار است؛ سپس تحت تأثیر عوامل اجتماعی همچون اهمیت تدوین حدیث و تاریخ‌نگاری در قرن چهارم هجری و عوامل فرهنگی حاکمیت فرهنگ شفاهی و تأکید بر نقل از بزرگان قرار گرفته؛ که در نهایت منجر به تمرکز بر بررسی سندی روایات، دوری از تأویل‌های عقلی و تأکید بر جنبه‌های پیشگیرانه فقهی شده است. این تفسیر با مطالعات روان‌شناختی رفتاری اولیه مانند شرطی‌سازی همخوانی دارد که اجتناب از محرک‌ها را برای جلوگیری از تحریک جنسی تأیید می‌کند (زنگی‌آبادی، ۱۴۰۲ ش: ۴۶).

دوره میانه

در این دوره با تأثیر مکاتب معتزلی و شیعی، تفسیرها به سمت تحلیل عقلانی و نحوی گرایش یافتند و غض بصر نه تنها فقهی، بلکه اخلاقی و پیشگیرانه تفسیر شد. مفسران به تدریج با ترکیب کلام و فقه، غض بصر را به احکام شرعی و استثنائات مرتبط کردند و تنوع مکاتب فقهی (مانند مالکی و اشعری) آشکار شد.

طوسی (م. ۴۶۰ هـ)، عالم شیعی، غض بصر را روی هم نهادن پلک‌ها و کاهش نگاه به حرام تعریف می‌کند، عورت زنان را محدود به غیر از صورت، کف دست‌ها و پاها می‌داند و نگاه به عورت همجنس (مانند ناف تا زانو در زنان) را حرام اعلام می‌نماید؛ رویکرد کلامی-فقهی او بر تعهد به امامیه استوار است و تحت تأثیر تنش‌های اجتماعی قرن پنجم هجری و عقلانیت شیعی، مفهوم را به حفظ حریم جنسیتی با پیوند به روایات اهل‌بیت گسترش می‌دهد (طوسی، بی‌تا: ۴۲۷/۷-۴۲۸). زمخشری (م. ۵۳۸ هـ)، مفسر معتزلی، در الکشاف غض بصر را ضعیف کردن نگاه شدید و فروبردن چشم تفسیر می‌کند، نگاه را دریچه قلب و پیش‌زمینه زنا می‌بیند و فتنه آن را سخت‌تر از خویشتن‌داری توصیف می‌نماید؛ رویکرد ادبی-بلاغی او بر اصول معتزله بنا شده و تحت تأثیر مباحثات کلامی قرن ششم هجری، به تحلیل زبانی-روان‌شناختی به‌عنوان پیشگیری از فتنه منجر شده که در تفسیرهای بعدی تأثیر گذاشته و با نظریه خویشتن‌داری گاتفردسون و هیرشی در روان‌شناسی همخوانی دارد (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۲۹/۳؛ حصاری‌پور، ۱۳۹۳: ۸۰). طبرسی (م. ۵۴۸ هـ)، غض بصر را کم کردن نگاه و روی هم نهادن پلک‌ها تفسیر می‌کند و آن را بخشی از عفاف اجتماعی و مقدم بر حفظ فروج می‌داند؛ رویکرد اجتهادی او بر امامیه معتدل استوار است و تحت تأثیر تلاش برای تقریب مذاهب در قرن ششم خراسان و تسامح فرهنگی، به جمع روایات و جنبه‌های ادبی، تأکید بر عفاف اجتماعی و تحول تربیتی منجر شده که با روان‌شناسی تربیتی در کاهش اضطراب اجتماعی همخوان است (حصاری‌پور، ۱۳۹۳: ۸۵). فخر رازی (م. ۶۰۶ هـ)، متکلم اشعری، غض بصر را ترک نگاه با ریبه (شهوت) و بخشی از اخلاق کلامی می‌بیند، آن را مقدم بر حفظ فروج دانسته و استثنائاتی مانند نگاه برای ازدواج را مجاز می‌شمارد؛ رویکرد کلامی-فلسفی او بر اصول اشعری استوار است و تحت تأثیر مباحثات قرن هفتم هجری، به دفاع از مبانی سنی، گسترش اخلاقی با استثنائات عقلی و پیوند با نظام اخلاقی قرآن منجر شده است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۲۷/۱۳). ابن‌کثیر (م. ۷۷۴ هـ)، غض بصر را اجتناب از نگاه به محرمات و حفظ فروج تفسیر می‌کند، آن را ادب نفسی و بستن درهای شهوت می‌داند و با نقل احادیث بر تقدم آن بر پاکدامنی تأکید دارد؛ رویکرد نقلی-تاریخی او بر اصول سلفی

سال بیست و سوم، شمارهٔ ۹۰، بهار ۱۴۰۵

و مکتب ابن‌تیمیه استوار است و تحت تأثیر جنبش‌های اصلاحی قرن هشتم، به تمرکز بر احادیث، دوری از تأویل و حفظ پیوستگی با تفسیرهای اولیه منجر شده است (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۲۲۹/۳). سیوطی (م. ۹۱۱ هـ)، عالم سنی، در الدرالمنثور غض بصر را فروبردن نگاه از حرام تفسیر می‌کند، با نقل شأن نزول (مانند داستان مرد انصاری) آن را نهی از چشم‌چرانی می‌نامد و استثنائاتی مانند نگاه عادی را مجاز می‌داند؛ رویکرد نقلی او تحت تأثیر مباحثات علمی قرن دهم مصر و شام و جمع‌آوری روایات، به تلفیق نقلی-ادبی، انعطاف در استثنائات و تحول به سمت انعطاف‌پذیری فقهی منجر شده است (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۲۶/۳).

دوره متأخر

دوره متأخر که با ظهور دولت صفویه در ایران و تداوم امپراتوری عثمانی در غرب جهان اسلام همراه است، تحت تأثیر رقابت‌های مذهبی، تقویت هویت‌های فرقه‌ای و نهضت‌های اصلاحی قرار دارد. در این دوره، با تأکید بر روایات و جنبه‌های عرفانی، غض بصر به لایه‌های باطنی و اجتماعی گسترش یافت. عروسی حویزی (م. ۱۱ هـ.ق)، مفسر شیعی، در نورالثقلین با رویکرد روایی، غض بصر را عدم نگاه به حرام و شهوت‌انگیز تفسیر می‌کند (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۵۸۹/۳-۵۹۳؛ سلیمانی و حبیبی، ۱۳۹۳: ۵۷). آلوسی (م. ۱۲۷۰ هـ.ق)، مفسر سنی، در روح‌المعانی غض بصر را نه بستن چشم، بلکه کم کردن نگاه و اعتنا نکردن تفسیر می‌کند، با تحلیل لغوی آن را سازگار با تعاملات اجتماعی می‌بیند و استثنائاتی مانند نگاه بدون لذت را مجاز می‌داند که پلی به تفسیرهای مدرن است؛ رویکرد جامع او بر مکتب اهل سنت با نگرش باز استوار است و تحت تأثیر نهضت‌های اصلاحی قرن سیزدهم هجری، چالش‌های فکری عصر عثمانی و افزایش حضور زنان در جامعه و تحصیلات آن‌ها، به جمع اقوال مختلف، توجه به جنبه‌های ادبی، کلامی، فلسفی و عرفانی، انعطاف اجتماعی و توجیه حکمت‌های شرعی با استدلال‌های علمی-اجتماعی منجر شده که زمینه‌ساز تفاسیر معاصر متناسب با جهان مدرن گردید و با روان‌شناسی مثبت‌نگر در کنترل بصری برای شکوفایی ذهن همخوان است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۲۹/۳؛ سلیمانی و حبیبی، ۱۳۹۳: ۶۰).

دوره معاصر

در دوره معاصر، تفسیرها به جنبه‌های روان‌شناختی، اجتماعی و تربیتی با کاهش سخت‌گیری و تأکید بر عفاف متقابل گرایش یافتند. سیدقطب (م. ۱۹۶۶ م)، در فی ظلال القرآن، غض بصر را ادب نفسی، استعلاء بر رغبت جنسی، بستن پنجره اول به شهوت و مقدم بر حفظ فرج تفسیر می‌کند و با رویکرد اجتماعی، عفاف را پایه جامعه اسلامی می‌داند؛ این دیدگاه تحت تأثیر جنبش‌های اسلامی، مبارزه با استعمار قرن چهاردهم هجری و تأکید بر عمل به قرآن، به تمرکز بر جنبه‌های عملی-اجتماعی و تحول اصلاحی منجر شده است (سیدقطب، ۱۳۸۷: ۲۲۹/۳). مکارم شیرازی غض بصر را پایین آوردن نگاه، عدم خیره شدن و ترک نگاه ریبه‌آلود تفسیر می‌کند، با تحلیل عقلی استثنائاتی مانند نگاه برای ازدواج را مجاز می‌داند و آن را ابزاری برای تعامل سالم اجتماعی می‌بیند؛ رویکرد اجتهادی جامع او بر امامت اهل‌بیت با تمرکز فقهی-اجتماعی-روایی استوار است و تحت تأثیر چالش‌های جهان اسلام مانند استعمار و فقر در قرن پانزدهم هجری، توجه به عقل، نیازهای جوانان، وحدت اسلامی و عدالت‌خواهی، به تفسیری کاربردی برای اصلاح جامعه و تمدن اسلامی منجر شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۴۳۶/۱۴-۴۴۵). قرائتی در تفسیر نور، غض بصر را کاهش نگاه و خودداری از خیره شدن می‌داند، چشم پاک را مقدمه پاکدامنی و بی‌غفلتی را مانع رشد معنوی می‌بیند و آن را بخشی از تقوای عملی معرفی می‌کند؛ رویکرد تربیتی او به استخراج نکات اخلاقی-کاربردی برای زندگی روزمره و هدایت رفتاری فردی-اجتماعی منجر شده که با روان‌شناسی تجربی معاصر در جلوگیری از علاقه بیش از حد از طریق کنترل نگاه همسو است (قرائتی، ۱۳۸۸: ۱۷۲/۶-۱۷۳؛ حصاری‌پور، ۱۳۹۳: ۹۰). علامه طباطبایی غض را روی هم نهادن پلک‌ها تفسیر می‌کند اما در سیاق، عدم نگاه به حرام و حفظ عورت می‌داند، با رویکرد فلسفی آن را پایه عفاف و آشکار نکردن زینت می‌بیند و لایه‌های باطنی آیه را برجسته می‌سازد؛ رویکرد اجتماعی او بر تفسیر قرآن به قرآن و پاسخ به مسائل معاصر استوار است که با روان‌شناسی معاصر در اجتناب از نگاه برای تعادل عاطفی همخوان است (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۴۳۶/۱۴-۴۴۵؛ زنگی‌آبادی، ۱۴۰۲: ۵۳).

جوادی‌آملی غض بصر را عدم نگاه به بدن و موی نامحرم حتی بدون ریبه تفسیر می‌کند، آن را حکم مشترک زن و مرد و پایه حفظ عفاف متقابل می‌بیند؛ رویکرد عرفانی-فلسفی او از مبانی فلسفی-عرفانی برای کشف معانی باطنی و هماهنگی با عقل و شهود بهره می‌گیرد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۰: ۲۲۹/۳). مطهری غض بصر را «کاهش دادن نگاه» و خودداری از تماشا و خیره شدن تعریف می‌کند، بین نظر عالی (برای مکالمه) و استقلالی (ورانداز کردن) تمایز قائل است و آیه را نهی از نگاه استقلالی و چشم‌چرانی می‌داند؛ این دیدگاه تحت تأثیر چالش‌های هویتی ایران قرن پانزدهم هجری، اجتهاد نوین و ابعاد اجتماعی-تربیتی، به تفسیری نو، متناسب با جامعه و دوری از آراء غیرمستند منجر شده که با روان‌شناسی معاصر در کاهش اضطراب اجتماعی از طریق پایین آوردن نگاه هم‌راستا است (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۲۷-۱۲۸؛ زنگی‌آبادی، ۱۴۰۲: ۴۹). این تحلیل چندبعدی، سیر تکامل غض بصر از تمایز اجتماعی دوره متقدم به اخلاقی معاصر را نشان می‌دهد.

تحلیل سیر تحول

تحول تفسیری از فقهی-حدیثی اولیه به‌عنوان ابزار جلوگیری از گناه آغاز شد (طبری، ۱۴۲۲: ۹۳/۱۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۳۰/۳). در دوره میانه به اصل اخلاقی عقلانی-تربیتی با استثنای نگاه بدون لذت ارتقا یافت (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۵۹۳/۳؛ اللهوردی‌خانی، ۱۴۰۱: ۱۴۲). در دوره متأخر به استعلاء بر رغبت جنسی و تعادل اجتماعی با رویکرد عرفانی گسترش یافت (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۳۰/۳). در عصر معاصر به ترک خیره شدن، رشد معنوی، عفاف متقابل و مقابله با رسانه‌ها در چارچوب فلسفی-روان‌شناختی رسید (قرائتی، ۱۳۸۸: ۱۷۴/۶؛ جوادی‌آملی، ۱۳۸۰: ۲۳۱/۳؛ مطهری، ۱۳۸۷: ۱۲۸). این سیر نشان‌دهنده پویایی فکری اسلام در پاسخ به چالش‌های فرهنگی است. برای تقویت تحلیل این تغییرات، مراحل معنایی غض بصر را می‌توان بر اساس روابط زبانی و معناشناختی جانشینی با واژگانی همچون «خفض بصر» و «حفظ فروج» و هم‌نشینی با ساختارهایی مانند «غض من أبصارهم» و «حفظ فروجهم» در چارچوب معناشناسی ایزوتسو به صورت مرحله‌ای ترسیم کرد: ابتدا، تمرکز بر کنترل فردی نگاه به‌عنوان کاهش شدت و عدم توجه به حرام بیان شد

(ریشه «غ-ض-ض» به معنای نقصان و تعدیل)، (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۳۴۵/۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۰۷)؛ سپس، گسترش به ابعاد اخلاقی، تربیتی و اجتماعی، جایی که غض بصر به پیشگیری از فتنه‌های روانی و حفظ حریم جنسیتی تبدیل می‌شود (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۲۹/۳؛ طبرسی، ۱۴۰۸: ۴۲۷/۷). این مراحل معنایی را می‌توان با نظریه خویشتن‌داری (self-control theory) گاتفردسون و هیرشی (۱۹۹۰) در روان‌شناسی تطبیق داد. در این چارچوب، غض بصر در تفسیرهای اولیه (مانند طبری) معادل کنترل تحریک‌پذیری اولیه و جلوگیری از لذت‌های فوری بصری است که پیش‌نیاز حفظ فروج و تقوا می‌باشد؛ در مراحل بعدی، به جنبه‌های روان‌شناختی عمیق‌تر تحول می‌یابد، جایی که کنترل نگاه نه تنها فقهی، بلکه ابزاری برای تقویت تسلط بر خود و همدلی اجتماعی است (میرباقری، ۱۴۰۳: ۵۰). در تفسیرهای معاصر، این تطبیق کامل‌تر می‌شود: غض بصر به‌عنوان تمرین خویشتن‌داری پایدار، عفاف را از فرد به جامعه گسترش می‌دهد و با کاهش ریسک‌پذیری جنسی، تعادل در تعاملات جنسیتی را تضمین می‌کند (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۱۹۵-۲۱۰).

در نظریه خویشتن‌داری، کنترل تحریک بصری (مانند غض بصر) نه تنها از اختلالات روحی و جسمی مانند وسوسه‌ها و غفلت پیشگیری می‌کند، بلکه آرامش روانی و اجتماعی را از طریق تعدیل غرایز فراهم می‌آورد (طاهری پور، ۱۴۰۲: ۶). نگاه در روانشناسی میتواند عامل اجتماعی برای کنترل غرایز جنسی انسان به شمار رود و دیدن صحنه های شهوت زا و ضد عفاف و کنترل نکردن به جا میتواند تصویر نادرستی را برای همیشه در ذهن فرد باقی گذارد و از آنجایی که قوه فکر و خیال انسان عامل محرک انسانی است زمینه را برای انحراف او فراهم می‌کند. (حصاری پور، ۱۳۹۳: ۸۶) تفسیرهای تحول‌یافته، غض بصر را دریچه‌ای به تقوا و سلامت جامعه می‌دانند، جایی که کنترل نگاه، آرامش فردی (از طریق کاهش تنش‌های شهوانی) و جمعی (با حفظ حریم و جلوگیری از فتنه‌های اجتماعی) را تضمین می‌کند؛ این امر، در جوامع مدرن، ابزاری برای مقابله با فشارهای رسانه‌ای و عادی‌سازی روابط نامحرم است و تعادل میان عفاف و تعامل را به ارمغان می‌آورد (فاکر میبدی، ۱۴۰۰: ۳؛ شبیری زنجانی، ۱۴۰۲: ۷).

جدول ۱. سیر تحول معناشناسی و تفسیری «غض بصر» در قرآن کریم: از کنترل فقهی تا تعادل روانی-اجتماعی

دوره تاریخی	بعد معناشناسی	روابط زبانی	تفسیر مفسران	تحول تفسیری	موید روانشناختی
متقدم	کاهش نگاه	غض من ابصارهم	فروکاستن نگاه و نهی از حرام	کنترل فقهی	کاهش تحریک پذیری جنسی
میانه	کنترل ارادی	حفظ فروج (ضبط البصر)	مدیریت نگاه و پیشگیری از اخلاق ناپسند	پیشگیری روانی	کنترل خویشتن داری
متاخر	پیشگیری فتنه	چشم پوشی از حرام (غض الطرف)	اجتناب شهوانی و انعطاف اجتماعی	تعادل اجتماعی	کاهش اضطراب
معاصر	تعادل اجتماعی	عفاف متقابل (تنزیل النظر)	تعدیل نگاه و عفاف اجتماعی	آرامش روانی	شکوفایی

نتیجه‌گیری

سیر تحول نگرش مفسران درباره واژه غض بصر در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور، از تمرکز اولیه بر معنای لغوی و نهی فقهی به رویکردهای پیشگیری روانی و تعادل اجتماعی گسترش یافته است. این تحول در سه بعد کلیدی قابل مشاهده است: نخست، معنای لغوی از کاهش ساده نگاه در دوره متقدم به کنترل ارادی و هدفمند در دوره معاصر؛ دوم، کارکرد فقهی از نهی مطلق نگاه حرام به انعطاف در ضرورت‌های اجتماعی با حفظ اصل پیشگیری از فتنه؛ و سوم، فلسفه اجتماعی از حکم فردی به ابزار سلامت جامعه با تأکید بر عفاف متقابل و آرامش روانی است. دستاورد اصلی پژوهش، ارائه چارچوب نظام‌مند تحلیلی مبتنی بر معناشناسی ایزوتسو و تحلیل تاریخی است که خلأ پیشین در بررسی

پویایی تفسیری غض بصر را پر کرده و کاربرد آن را در روان‌شناسی دینی، جامعه‌شناسی حجاب و سلامت روانی-اجتماعی در جوامع معاصر تقویت می‌کند.

منابع

قرآن کریم (۱۳۹۵ش). ترجمه: بهاءالدین خرمشاهی، تهران: دوستان، چاپ هشتم

اللهوردیخانی، علی (۱۴۰۱ ش). **گزیده بهداشت و طب پیشگیری در تعالیم اسلام**. چاپ اول تهران: انتشارات علم و دانش.

آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ ق). **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**. چاپ اول بیروت: دارالکتب العلمیة.

ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ ق). **معجم مقاییس اللغه**. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن کثیر، دمشقی اسماعیل بن عمرو. (۱۴۱۹ ق). **تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)**. چاپ اول بیروت: دار الکتب العلمیة.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۳۳۵). **لسان العرب**. بیروت: ناشر دار صادر.

ایزوتسو، توشیهیکو. (۱۳۶۱ش). **خدا و انسان در قرآن (ترجمه: احمد آرام)**. چاپ اول تهران: بهمن.

پاکتچی، احمد. (۱۳۹۶ ش). **تاریخ تفسیر قرآن کریم**. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۰ش). **تفسیر تسنیم**. قم: مرکز نشر اسراء.

جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ ق). **الصحاح: تاج اللغه و صحاح العربیه**. بیروت: دارالعلم للملایین.

حبیبی، یعقوب؛ سلیمانی، اسماعیل (۱۳۹۳ ش). **ارتباط تنظیم هیجان و تاب آوری با بهزیستی روانشناختی در دانش آموزان**، روانشناسی مدرسه، شماره ۴، ص ۵۱-۷۲.

حصاری پور، واحد (۱۳۹۳ ش). **بررسی تطبیقی زمینه ها و پیامدهای انحرافات جنسی در قرآن و روایات و روانشناسی**، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن مجید، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی شیراز.

خطیب، عبدالکریم. (۱۴۲۴ ق). **التفسیر القرآنی للقرآن**. چاپ دوم، قاهره: دارالفکر العربی.

خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۸ ق). **تفسیر البیان**؛ قم: موسسه احیاء آثار امام خویی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). **مفردات الفاظ قرآن (به تحقیق: صفوان عدنان داوودی)**. چاپ اول، بیروت: نشر دارالشامیه.

زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ ق). **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**. بیروت: دار الکتاب العربی.

زنگی ابادی، وحید (۱۴۰۲ ش). بررسی روان شناختی نگاه به نامحرم با محوریت قرآن و حدیث، **اسلام پژوهان**، ۱۰ (۲۶)، ص ۳۶-۵۴.

سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۴ ق). **الدر المنثور فی تفسیر المأثور**. چاپ اول، قم: کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی.

شبیری‌زنجانی، سید موسی. (۱۴۰۲ ش). بازپژوهی مراد از «غضّ بصر» در آیهٔ غضّ. **پژوهشهای فقهی تا**

اجتهاد، ۹ (۱۷)، ۱۵۱-۱۷۲.

طاهری پور. زهرا (۱۴۰۲ش). ضوابط حاکم بر ارتباطات بصری با توجه به آیه ۳۰ سوره **نور. پژوهشنامه قرآن و حدیث**، شماره ۳۳، ص ۱۸۳-۲۰۳.

طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۶۳ ش). **المیزان فی تفسیر القرآن (ترجمه محمدباقر موسوی همدانی).** تهران: ناشر محمدی.

طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. (۱۴۲۲ ق). **جامع البیان فی تفسیر القرآن**. چاپ اول، قاهره: هجر.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۸ ق). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. چاپ دوم، بیروت: دارالمعرفه.

طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵ ش). **مجمع البحرین**. تهران: مرتضوی.

طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). **التبیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

عروسی حویزی، عبدالی بن جمعه. (۱۴۱۵ ق). **تفسیر نور الثقلین**. چاپ چهارم قم: انتشارات اسماعیلیان.

فاکر میبدی، محمد. (۱۴۰۰ ش). تفسیر تطبیقی «غض بصر». **رویکرد مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث، ۹** (۱۶)، ۷-۳۳.

فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر. (۱۴۲۰ ق). **مفاتیح الغیب**. چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ ق). **کتاب العین**. قم: هجرت.

فیومی، احمدبن محمد. (۱۴۲۵ ق). **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی**. قم: منشورات دار الرضی.

قرائتی، محسن. (۱۳۸۸). **تفسیر نور**. چاپ اول، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

قطب، سید. (۱۳۸۷ ش). **فی ظلال القرآن (ترجمه مصطفی خرم‌دل)**. چاپ دوم، تهران: نشر احسان.

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸ ش). **مجموعه آثار**. تهران: نشر صدرا.

معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۸ ش). **تفسیر و مفسران**. چاپ پنجم، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۰). **تفسیر نمونه به قلم جمعی از نویسندگان**. چاپ نوزدهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

میرباقری، مریم. (۱۴۰۳). **خویشتن داری و نقش آن در سلامت روان در قرآن و روانشناسی**. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه مازندران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.